گردش کردن [ˈsəːrkjəleit] v

گردش چیزی به سرعت گسترش آن است.

→ فن به گردش هوای خنک در اتاق کمک می کند.

در نتیجه

نتیجه [ˈkɒnsɪkwənt] adj. در نتیجه

نتیجه به معنای اتفاق افتادن به دلیل وضعیت دیگری است.

ra بثورات متعاقب او پس از لمس پیچک سمی ایجاد شد.

استخراج

استخراج [dɪˈraɪv] v

استخراج چیزی از منبع دیگر به معنای گرفتن آن از آن چیز است.

نام مستعار Red از رنگ موهای او گرفته شده است.

غرق شدن

غرق شدن [draun] v. غرق شدن

غرق شدن مردن از عدم توانایی نفس کشیدن در زیر آب است.

if اگر ملوانان او را نجات نمی دادند ، او غرق می شد.

سلسله

dynasty [ˈdainəstɪ] n. سلسله

یک سلسله مجموعه ای از حاکمان است که همه از یک خانواده هستند.

→ مصریان باستان سلسله ای داشتند که سالها دوام داشت.

کسر

کسر [æfrækʃən] n. کسر

کسر قسمت کوچکی از چیزی است.

→ فقط کسری از کیک از بین رفته بود.

سرما

frost [frɔ: st] n. سرما

فراست یک لایه یخی سفید است که در هوای بسیار سرد تشکیل می شود.

→ صبح ، درختان همه پوشیده از یخ زدگی بودند.

توهم

illusion [ɪˈluːʒən] n. توهم

توهم چیزی است که واقعی به نظر می رسد ، اما در واقع وجود ندارد.

→ برخی از تصاویر یک توهم برای چشم ایجاد می کنند.

حمله کردن

invade [ˈnˈveɪd] v. حمله کردن

حمله به معنای تصرف مکانی با زور است.

forces نیروهای دشمن سعی کردند از طریق هوا به کشور ما حمله کنند.

ستوان

Lutenant [luːˈtenənt] n. ستوان

ستوان درجه ای در ارتش یا پلیس یا شخصی با آن درجه است.

→ ستوان رهبر خوبی بود و سربازانش به او احترام می گذاشتند.

دریایی

marine [məˈriːn] adj. دریایی

کلمه دریا چیزی مربوط به دریا را توصیف می کند.

یک اقیانوس سالم مملو از حیوانات دریایی است.

شایستگی

merit [ˈmerɪt] n. شایستگی

لیاقت چیزی یا کسی ویژگی های خوب اوست.

این بازیگر به خاطر شایستگی هایش در این فیلم جایزه دریافت کرد.

نیروی دریایی

navy [ˈneɪvɪ] n. نیروی دریایی

نیروی دریایی بخشی از ارتش یک کشور است که در دریا می جنگد.

country کشور من به نیروی دریایی قدرتمند ما معروف است.

قطبی

قطبی [əpoulər] adj. قطبی

قطبی مربوط به مکان های سرد در انتهای شمالی و جنوبی زمین است.

→ فقط چند نفر در منطقه قطبی شمال زمین زندگی می کنند.

اشعه

ray [reɪ] n. اشعه

پرتو خطی از نور است که از یک جسم روشن حاصل می شود.

ra پرتوهای گرم خورشید ساحل را پوشانده است.

استعفا دادن

استعفا [rɪˈzaɪn] v

استعفا به معنای ترک کار است.

→ بعد از اینکه رسماً از کار استعفا دادم ، با رئیسم خداحافظی کردم.

خودکشی کردن

خودکشی [ːəsuːəsaid] n. خودکشی کردن

خودکشی عملی است که خودکشی می کند.

→ برخی از افراد چنان احساس غم و اندوه می کنند که فکر می کنند تنها جواب خودکشی است.

لرزیدن

لرزیدن [ˈtrembəl] v لرزیدن

لرزیدن ، لرزش در اثر هوای سرد است.

→ هری به سرما عادت نداشت ، بنابراین بیشتر روز را لرزاند.

اساسی

underlying [ˈʌndərlaɪɪŋ] adj. اساسی

وقتی چیزی زمینه ای است ، دلیل پنهان چیز دیگری است.

fear ترس اصلی او از پرواز گزینه های سفر را کاهش می دهد.

از طريق

از طریق [vi: ə] prep. از طريق

سفر از طریق چیزی به معنای مسافرت در چیزی یا استفاده از آن است.

→ از طریق قطار از فرودگاه وارد شهر شدیم.

گرینلند چگونه نام خود را به دست آورد؟

ملت گرینلند خیلی سرسبز نیست. تابش خورشید به مدت سه ماه در آنجا نمی درخشد. در نتیجه ، پوشیده از برف ، یخ و یخبندان است. پس چگونه این نام گرفته شد؟ این کار با یک وایکینگ به نام Erik the Red آغاز شد. اریک شایستگی های زیادی داشت. با این حال ، یک مشکل اساسی وجود داشت. . . او به راحتی عصبانی شد مردم از او ترسیده بودند. با این حال ، او با خواهرزاده یک مرد بسیار قدرتمند ازدواج کرده بود. بنابراین همه سعی کردند با او خوب باشند.

یک روز ، اریک با همسایه اش جنگ کرد و او را کشت. مجازات بعدی او ترک ایسلند بود.

داستان های بسیاری در مورد سرزمینی در غرب ایسلند منتشر شد. اما فقط کسری از مردم ایسلند آنها را باور کردند. هنوز اریک می خواست آن را پیدا کند.

اریک از طریق اقیانوس اطلس به سمت زمین حرکت کرد. دانش دریایی او خوب بود ، اما سفر سخت بود. برخی از افراد وی غرق شدند. ستوان اریک می خواست از سمت خود استعفا دهد. دیگران به فکر خودکشی افتادند.

ناگهان ، اریک فکر کرد که چیزی را دیده است. اریک گفت: "باور نمی کنم." "این باید یک توهم باشد." اما هیچ ترفندی نبود - این سرزمین جدید بود!

اریک در هوای سرد قطبی لرزید. او دید که همه جا یخ است. او فهمید که یخ می تواند دشمنان را دور نگه دارد. حتی بهترین نیروی دریایی هم نتوانست به سرزمین جدید حمله کند. او می تواند سلسله جدیدی را به نام خود راه اندازی کند. اما چگونه او می توانست مردم را به زندگی در اینجا متقاعد کند؟

وی گفت: "من آن را" گرینلند "صدا خواهم کرد. طرح اریک طی دو سال بیش از هزار نفر به گرینلند نقل مکان کردند. در پایان ، گرینلند نام خود را به خاطر یک ترفند نامگذاری کرد.